

زبان مادری

ارسالی: وحیدالله غالب



۱۷ عقرب ۱۳۹۱

زبان، ابزار عمده بشر برای برقراری ارتباط با یکدیگر می باشد. قرن حاضر شاهد پیدایش چند علم جدید بوده است که مهمترین آنها بی شک زبان شناسی است. زبان شناسی در قرن بیستم همان تحولی را در اندیشه ی بشر ایجاد کرده است که فزیک در قرن هفدهم و شیمی در قرن هجدهم و زیست شناسی در قرن نوزدهم. مجموعه ی دانش هایی که به « علوم انسانی » معروفند (روانشناسی، روانکاوی، منطق، فلسفه، مردم شناسی، تاریخ، باستان شناسی، جامعه شناسی، نقد ادبی، هنر شناسی (زیبا شناسی) و حتی علوم اقتصادی و سایی و قضایی) از دور و نزدیک، مستقیم و غیر مستقیم، تحت تاثیر زبان شناسی قرار دارند و حتی بعضی از این علوم، از جمله مردم شناسی، مفاهیم و روش های آن را عیناً اقتباس کرده و در رشته ی فعالیت خود به کار بسته اند. زیرا زبان شناسی علم زبان است و زبان عالی ترین دستگاه تمثیلی (سمبولی) بشر است که خود زیر بنا و تعریف کننده ی فرهنگ است و وجه ممیز بشر از دیگر جانوران.

بشر، چنان که از زمان ارسطو گفته اند، حیوانی اجتماعی است و همیشه هم اجتماعی بوده است. هر چه در تاریخ به قهقهر برویم، هرگز به زمانی نخواهیم رسید که بشر را در حالی ببینیم که به وضع انفرادی زیست می کند. بشر همیشه به حال اجتماع می زیسته و همیشه هم دارای زبان بوده است. و به هر حال اینکه در تعریف انسان می گویند « حیوان اجتماعی » یا « حیوان ناطق » اگر چه صفت اجتماعیت و نطق را از این تعریف برداریم، فقط « حیوان » می ماند.

زبان مادری

زبان مادری زبانیهست که از مادر، پدر و نزدیکان مان آموخته ایم. بنا به نظر پژوهشگران کودک در رحم مادرش با زبان مادریش آشنا میشود و هنگام بدنیا آمدن که گریستن آغاز میکند اگر به زبان مادریش با وی سخن گفته شود، گریه اش را قطع کرده گوش میدهد.

هرچند کودک در گیرودار این همه احساس تنهایی و بیگانگی، خانواده و نزدیکانش را در کنار خود ندارد اما او آنچنان نیروی حمایتگری با خود دارد که وی را در ایجاد رابطه با دیگران یاری میرساند و در این محیط شگفت و بیگانه گرما و نیرو می بخشد. این نیروی حمایت گر و نجات بخش ” زبان مادری ” اوست که در اختیار دارد. بیاری زبان مادری با دیگران و حتی با انسانهای نا آشنا ایجاد رابطه می کند.

کودک با گذشت زمان و شنیدن مکرر، زبان مادریش را آموخته آغاز به ادای آن میکند. کم کم با ساختن جملات کوتاه آغاز به سخن گفتن به زبان مادریش میکند. در طول زمان کوتاهی می آموزد تا به زبان مادریش احساسات و خواسته هایش را به اطرافیان خود تفهیم نماید. با زبان مادریش با دیگران رابطه برقرار کند. با همین زبان بازی میکند، می خندد، می گرید و وارد مشاجره و بگو مگو می شود. تنها و تنها با زبان مادریش است که قادر می شود دنیای پیرامون خود را بشناسد و بیان نماید. با سخن گفتن به زبان مادری از فردیت و تنهایی خویش خارج گشته از تعلق خود به گروه ویژه ای آگاه میشود. او با مهر و محبت، اعتماد و امنیتی که این تعلق به وی ارزانی داشته است زندگی میکند.

در هر جامعه ای که انسانها از تعلیم و تربیت به زبان مادری خود محرومند، معنی اش حاکمیت ظلم و استبداد سیاسی و اجتماعی در آنجا میباشد. بی عدالتی وجود دارد زیرا در آنجا زبانی بر دیگر زبانها و یک گروه انسانی بر دیگر گروههای انسانی در موضعی برتر و حاکم قرار دارد. این به معنی آنست که در آن جامعه استثمار انسانهای غیر حاکم و محو شدنشان از صحنه تاریخ از پیش طرح ریزی گشته است بطور مثال کودکی به مکتب میرود و چون زبان معلمش را نمی داند، بخش عمده آموزشهای او را نیز نمی تواند بفهمد. گفته های معلم را نه میتواند بررسی کند، نه میتواند سئوالی طرح کند و نه میتواند درک کند. اگر هم چیزی بفهمد نمیتواند به زبان بیآورد و برای دیگران توضیح دهد. زیرا زبان فهم و بیان جدا شده است. در زبان مادریش می فهمد اما نمی تواند فهمیده هایش را بیان کند. یعنی رابطه بین ذهن، قلب و دهان (زبان) تماماً قطع میگردد. (و این زبان جبران ناپذیری برای رشد انسان بوده، تأثیر منفی بسیار بزرگی بر روح و روان و شخصیت آدمی میگذارد. لیکن اکنون در شغنان خیلی کار خوبی برای رفع این مشکل صورت خواهد گرفت که اطفال کتاب های چاپ شده زبان خودشان را مطالعه نموده و به مطلب و اهداف درس خود زود تر میرسند. وحیدالله)

هنگامیکه ما به زبان مادری سخن می گوئیم، بین ذهن و دهان (زبان) رابطه ای مستقیم برقرار می شود. در اینجا می خواهم مسئله را قدری بیشتر باز کرده بگویم، زمانیکه ما بزبان مادریمان سخن می گوئیم در حقیقت بین قلب و ذهن و دهان مان (زبانمان) رابطه ای تنگاتنگ برقرار میشود. زیرا این سخنان لحظات زندگی و تجارب گذشته مان را تداعی کرده در ذهن و روانمان زنده میکند، با هر واژه ای احساسهای عمیقی را زندگی میکنیم، خرسند میشویم، ناخشنود می گردیم، حسرت می خوریم و انتظار میکشیم. با زنده شدن جملاتی که در ذهن مان شکل گرفته اند، مکنونات دل مان جان گرفته، از طریق دهان و زبان تمامی احساسات و اندیشه های خود را بیان و بدیگران تفهیم میکنیم. درست بهمین جهت هنگامیکه ما بزبان مادریمان سخن می گوئیم، مکانیزم سه گانه ای بین دهان و قلب و ذهنمان نظم و شکل میگیرد که با طبیعت انسانی سازگاری کامل و تمام دارد. لذا زبان مادری همچون کلیدیست که دنیای درونی مانرا گشوده به نمایش میگذارد. حجب و حیا، عیب و هنر و تمامی مکنونات درونی مان تنها و تنها زمانی آشکار می گردد که ما به زبان مادریمان سخن می گوئیم.

مشکلات از محرومیت تحصیلی بزبان مادری بر سر کودک

بسیاری از کودکان بعلت محرومیت از تحصیل بزبان مادری، اعتماد بنفس خود را از دست داده از همان ابتداء از رفتن به مدرسه امتناع می ورزند. بهمین جهت نیز درصد بیسوادی در اینگونه جوامع بسیار بالاتر از جوامعی است که در آن کودکان بزبان مادری خود تحصیل می کنند. از آنجائیکه کودکان زبان معلم را نمی دانند، قادرند فقط بخش اندکی از درس را بفهمند. از آنجائیکه اینگونه کودکان اعتماد خودشان را به خود، خانواده و جامعه و ملتی که بدان منسوبند از دست می دهند، ناگزیر در پی کسب هویت دیگری خواهند بود.

اگر خلاصه و روشن بگوئیم: فرزندان چنین خلقی نسبت به فرهنگ، اندیشمندان، زبان، تاریخ و تمامی گذشته خود بیگانه گشته، بر اساس نقشه ای که برایش ریخته اند، به نسلی آماده به پذیرفتن بردگی تبدیل خواهند شد. زیرا یک نسل تنها زمانی به برده تبدیل خواهد شد که از زبان مادریش و از فرهنگ و تاریخش جدا افتاده باشد.

برای نابودی انسانها سه راه عمده وجود دارد:

1. نابود کردن فیزیکی نسل دیگران توسط یک بمب اتمی
2. عنوان کردن فرضیه خون پاک و ژن خالص!
3. از طریق نابود کردن ژن های مدنی و فرهنگی.

ژن های فرهنگی چیست؟

ژن مدنی، فرهنگ و مجموعه تمدنی است که از نسلهای گذشته به عنوان میراث گرانبهای بمان رسیده است و یک ملت چنان آسان خواهد مرد و نامش از تاریخ زوده خواهد شد که زبان مادریش را فراموش کرده باشد.

اهمیت نگهداشت زبان مادری در حفاظت فرهنگ یک ملت:

فرهنگ یک اصطلاحی جامعه است که در برگیرنده جنبه های مختلفی از روش زندگی انسان است. جنبه های اساسی فرهنگ شامل دین، خوراک، پوشاک، جشن ها، آموزش و پرورش، عنعنات اجداد و ملی، طریوق کار، امرار معاش و فعالیت های تفریحی می باشند که افراد یک جامعه با هم مشترک دارند. اما زبان جزء مکمل و اساسی ترین عنصر فرهنگ یک ملت است. این ارزش های مشترک، عنعنات و عقاید یک شخص یا اشخاص باعث می شوند که افراد جامعه و یا فرد از جامعه چطور فکر کند تا اخلاق و آداب خود را تنظیم نموده و مسیر رفتار و سلوک خود را در میان جامعه شخصی نماید. بر علاوه، این میراث فرهنگی مشترک باعث پذیرفتن افراد در جامعه شده و یک همبستگی را بوجود می آورد که در نتیجه باعث آرامی و صلح در جامعه می شود.

مهمتر از همه، زبان مادری یکی از مهمترین ارزش و عنعنه محاورایی یک فرد و جامعه است که بدان هویت می بخشد. حتی میتوان گفت که زبان سفیر فرهنگ ها در میان جوامع ملل بوده و باعث ترویج و قوت احساس هویت و همبستگی یک جامعه و ملت است. همچنان، زبان مادری وسیله است که یک ملت می تواند توسط آن فرهنگش را از یک سرزمین دیگر انتقال داده و جایگاه والایی آنرا در خانواده بین المللی تضمین نماید. و بدین منوال زبان مادری ملت ها را قادر می سازد تا فرهنگشان را از یک نسل به نسل دیگر انتقال دهند. لذاست که میتوان گفت، زبان و فرهنگ دو جزء مکمل همدیگر اند که به یک شخص هویت بخشیده و برایش تولید معنای شناخت می کنند. پس بطور خلاصه میتوان گفت که از بین رفتن زبان مادری به مثابه از بین رفتن و محو شدن فرهنگ یک جامعه و ملت است. روی همین علت است که (UNESCO) سازمان جهانی آموزش و پرورش، علمی و فرهنگی ملل متحد روز بیست و یکم فبروری را روز جهانی زبان مادری اعلام نموده و همه ساله درین روز این سازمان جلساتی را جهت ترویج، شناخت و نگهداشت ۶۰۰-۷۰۰ زبان جهان، مخصوصاً زبان های که در اقلیت هستند برگزار می کند. بنابر اهمیت نگهداشت موضوع آقای Vigdis Finnbogadottir سفیر UNESCO برای زبانها در

رابطه با اهمیت نگهداشت زبان مادری در بیست و یکم فبروری سال ۲۰۰۴ گفت "هر کسی که بازد اگر یک زبان محو شود، بخاطریکه بعد از آن یک ملت و یک فرهنگ خاطراتش را از دست می دهد .

بیست و یکم فبروری یک فرصت مناسب است که ما برای ترویج و نگهداشت زبان مادری خود همچون جلساتی ترتیب داده، وظیفه و دین خود را در قبال نگهداشت آن ادا نموده و به عنای آن بیاوریم. زبان‌ها روح بشریت هستند. زبان‌ها میراث معنوی بشریت هستند، زاده می‌شوند، تکامل می‌یابند و در برخی موارد محکوم به نابودی می‌شوند. اگر تلاش خود را برای نجات زبان‌ها آغاز کنیم، به سود ماست. باید تمامی سعی خود را برای مراقبت از زبان‌ها بکار گیریم و این در سایه سیستم آموزشی چند زبانه محقق خواهد شد... در کشوری مانند هندوستان، حدود ۸۰ زبان در مراحل مختلف تحیل به کار گرفته می‌شوند. در آفریقا حدود ۲۰۰ زبان وجود دارد که البته رایج‌ترین آنها، انگلیسی، پرتغالی، اسپانیولی و فرانسوی است. (لیکن زبانی که در چین، تاجکستان و افغانستان موجود بوده و دارای قدامت تاریخی هم است ما هیچ کوششی در زنده نگه‌داری آن نداشته باشیم و در تکاپوی آن هستیم که چگونه باید بمیرد پس مفهوم بر آن است که یا زیر استثمار هستیم و یا در پی قتل میراث فرهنگی یک قوم. وحیدالله)

اهمیت نگهداشت زبان مادری در صمیمیت خانواده

در تازه ترین تحقیقات انجام شده، در دانشمندان بدین نتیجه رسیده اند که تکلم در زبان مادری باعث صمیمیت فامیل و خانواده می شود. و بر عکس تغییر در لهجه و یا گویش زبان مادری میتواند باعث وارد کردن بدترین نتایجی جبران ناپذیر بر روابط والدین و فرزندان شان شود. بگفتهء ارشف مطبوعاتی langandlit-ulberta به نوشته بالجیت بهیلا، دانشمندان طی تحقیقاتی دریافته اند که آنده والدین که فرزندان شان به زبان مادری خود بصورت فصیح و راون نتوانند صحبت کنند و یا والدین که اطفال شان در حال فاصله گرفتن از زبان مادری شان هستند، همیشه از وضعیت فرزندان خود رنج برده و روح شان آرام نیست. بخاطریکه این طبقه مردم به آینده فر هنگی اولاد شان به یاس می نگرند و ترس ازین دارند که مبدا نتوانند فرهنگ و زبانی را که از پدران خود آموخته بودند به فرزندان شان منتقل کنند. محقیقن میگویند که این ترس و یاس باعث برانگیختن غضب گروه فوق الذکر شده و ترس دادن فرهنگ اصیل ذهنشان را همیشه آزار می دهد. پس افراد نامبرده ب فکر رفع نمودن و یا جستن چاره برای رفع نمودن یاس و رنج خود شده بالای فرزندان شان فشار می آورند که به زبان مادری خود صحبت نمایند در نتیجه محقیقن دریافته اند، اطفال که دریک محیطی پرورش یابند که روزها، ماهها و سالها از یکسو فشار خانواده و از سوی دیگر فشار فرهنگ کشور میزبان را متحمل شوند، در نهایت زبان مادری شان را به زبان کشور میزبان تغییر خواهند داد

بقول فیلمور (۱۹۹۱) و دیلگیدو- گیتن (۱۹۹۳) عواقب و اثرات از دست دادن زبان مادری بسیط هستند که میتوانند تاثیر گذار بر همه ابعاد اجتماعی، اخلاقی، شناخت و توسعه علمی فرزندان باشد. به عقیده دانشمندان "وقتیکه پدر و مادر قادر به استعمال زبان مادری شان جهت تکلم با فرزندان شان نباشند، آنها نمی توانند به آسانی عقاید، ارزش ها و خرد شانرا به فرزندان شان بیاموزند. تا که بر تجربیات و مشکلات آینده آنها را پیروز و غالب آورند". بنابر این اگر زبان مادری ضایع شد، در حقیقت استخوان نامریی که منتقل کننده عواطف بین والدین و فرزند میباشد، آسیب پذیر شده و محو می شود. بریدگی توسعه می کند و در نتیجه فامیل ها صمیمیتی را که از عقاید و درک مشترک شان منشاء می گیرد از دست می دهند.

راه های حل برای حفظ زبان مادری:

- (۱) احداث کورس های سواد آموزی برای بزرگسالان است. بدون شک تاسیس آنها به همت خواهران و برادران قلمی ما و ادا مسولیت مسولین محترم امور بستگی دارد.
- (۲) همه ساله سیمینارها و کنفرانسهای علمی و فرهنگی درین زمینه توسط دانشمندان، فرهنگیان و انجمن های مختلف نه تنها در یک قریه بلکه در سطح منطقه برگزار گردد. تا موضوع بصورت علمی آن مورد بحث قرار گرفته و روش موثرتر در زمینه یافته شود. طوریکه در فوق تذکر رفت بیست و یکم فبروری از اهمیت خاصی در برگزاری چنین جلسات برخوردار است.
- (۳) والدین محترم می توانند کتابهای متنوع درسی، تاریخی، داستانی و... نظر به سویه علمی فرزندان شان در خانه های خود به زبان مادری شان داشته و به آنها تدریس نمایند.
- (۴) اولیای محترم شاگردان مکاتب میتوانند فرزندان شان را به ادبیات زبان مادری خود تشویق کنند و درسهای مکاتب شان را بدین زبان مورد بحث گیرند.
- (۵) پدران و مادران می توانند برنامه های منظم جهت تدریس زبان مادری خود را داشته باشند. مخصوصاً رخصتی های طولانی مکاتب را باید درین زمینه اختصاص داد.

در پایان

با توجه به حقایق که در بالا به تذکر رفت، بصورت اجمالی میتوان نتیجه گرفت که زبان مادری ما را در قسمت فراگیری آموزش و پرورش یاری می رساند (مخصوصاً در یادگیری زبان دوم). چون ما همه از جمله شاگردان هستیم که میخواهیم به تحصیلات خود در خارج از منطقه به زبان دیگری ادامه بدهیم، مسلماً باید این زبان را بیاموزیم. همانطوریکه ذکر گردید زبان اولی ما مکمل و جزء لازمی از تحصیلات ما است، پس حتماً نگهداشت و حراست از آن وظیفه عمده و اساسی ما است. مهمتر از همه، طوریکه به اثبات رسید که زبان مادری ما باعث صمیمیت خانواده شده و رابطه والدین را با فرزندان شان تقویت می بخشد. بر علاوه، نگهداشت آن باعث همبستگی جامعه بوده و وجود آن به ما هویت می بخشد. مهمتر از آن، زبان مادری می سازد تا فرهنگ خود را بصورت اولی و اصلی آن به نسل های بعدی خود انتقال بدهیم، تا باشد که از محو آن جلوگیری و وقایه نمایم.

اما باید در نظر داشت که در صورت اندکترین غفلت مزایای فوق را از دست داده و زبان مادری بدست فراموشی سپرده خواهد شد. در آنصورت فرزندان و والدین هر دو متاثر شده و یکدیگر را رنج خواهند داد. در نهایت در فامیل هروج و مرج ایجاد شده و باعث جدایی والدین از فرزند خواهد شد. بالاخره، جامعه به بحران خواهد انجامید. بخاطریکه خانواده کانون کوچک مقدسی است که جامعه از آن تشکل می یابد. یعنی وقتیکه خانواده سالم نباشد، ما فرزندان سالم و در نتیجه جامعه مترقی با صلح، صفا و صمیمیت نخواهیم داشت. خطرناکتر از همه اینکه، از دست دادن و محو زبان مادری باعث از بین رفتن هویت و فرهنگ ما خواهد شد.

پس خوانندگان محترم و هموطنان عزیز!

همچنان که مطلع هستید تجربیات گذشته نشان داده، در شرایطی که ما زندگی می کنیم احتمال محو و یا مخلوط شدن زبان مادری ما موجود است. البته تنها در صورتیکه ما دست زیر الاشه نشسته و موضوع را بصورت جدی آن هم اهمیت ندهیم. خوشبختانه، اگر ما از حمایت های مادی، معنوی و فرهنگی کشور میزبان به وجه احسن، با روش خردمندانه و عقلانی استفاده نموده و تک تک ما در امر نگهداشت زبان مادری خود سهیم شویم، نه تنها که قادر به جلوگیری از محو آن خواهیم بود. بلکه می توان آنرا توسعه داده و به غنماندی آن بیافزاییم. بنابراین مسلماً در تحقق چنین امری والا والدین محترم. ثانیاً مسولین محترم موسسات زیربسط و زیعلاقه امور و متعاقباً اهل قلم و فرهنگیان جامعه نه تنها یک نفر یک نقش کلیدی و حیاتی در زمینه دارد، بلکه مسولیت و دین سنگینی را بدوش دارند. پس بیاید از امروز (باوجودیکه از سالها

قبل درین مورد فعالیت های انجام داده ایم، ولی نه بصورت کافی) به کار هر چه عاجل و جدیتر آغاز نموده و تعهد کنیم که از تلاش ها و زحمات خستگی ناپذیری مداوم خود، در مورد فوق به هیچ وجه دریغ نخواهیم ورزید. چون فردا ممکن دیر باشد!!!

فردوسی ته لافد یم وطن نهن جناو خرنانه عجب خو نهن زیفین از دست داد
"عارف"

وَزْ خَاکِ وَطَنِ قَصْرِ کَرْمَلِینِ تَعِ نَهْ پَرْدَهْمِ پاریس هوسین بعضی نفهمین خو وطن قدر
پاریس هوسین بعضی نفهمین خو وطن قدر
بعضی ته کنین ننگ خو نهن زف تے نه دین گهپ
خرنونے زفند اچگه مزه لوخو نبات یم
قهردیم ته دوبنتاو خو ولاغ ببتو لجومت

"ثابتی"

خرنون

وَزْمِ اَوْلَادِ خُـ بَرْنُونِهْ کِنْمِ فِخْرِ از بدخبنونم
تماشا از خـ و خرنونم تْلا وز هر گلستونم
فُکْتِ مَلِکِ جِهـ وُتْرَدِ وِز وُتْمِ نُرِ از خو خرنونم
به فخرت زحمتم نر وز دقین لام مـرد میدونم
یکم دینا خـ دارج رهننیر وُتْمِ ژندم گه از مردم
اگر زهر از خو خرنون سهم مدامت قینت حیرونم
وزانم از مدینا وز خدارج رهننیر ته یم مهش هیرد
به فضل وْم بهار نُر چس تحمل از زمستونم
وطن ژبوجم تو نوم انجهم تویت ریحوون دادت نهن
اگر ظـاهر وزونم وز خو باطن تیر خندونم
دقین مهش پیر شـای لاد وزون باطن تو از ظاهر
حقیقت ید وزونهم نُر دجهت وز مس ده الحـونم
فکت کار جهون پیروز اگـر مردم ونه یه مینت
یدیت ای قوم خـرنونم بهم وینتا ده ارمونم
نچوده "غالبی" افسوس مدوم صد رنج وینتاوند
مگر خرنون فرا کارین، دقین خُغ از گریبونم

برگرفته شده از مقالات:

1. ابوالحسن "نجفی" www.rasekhoon.net
2. دکتر صدیقه "عدالتی" www.azertukforum.org.uk
3. اقبال حسین "صفری" www.sokhane-nau.blogfa.com
4. دویچه وله فارسی www.Dw.de